

A Historical-Critical Analysis of the Television Series *Muawiya* in Light of Islamic Historical Sources

Esmail Changizi Arhali

Assistant Professor, Department of History, Kharazmi University, Tehran, Iran
Esmail.changizi@khu.ac.ir

Seyyed Ruhollah Shafi'i

Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran; seyedruhollahshafii@khu.ac.ir

Masoumeh Abangah Ozgami 

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran
(Corresponding Author); m.abangah@khu.ac.ir

Abstract

Objective: Audiovisual media play a fundamental role in shaping societies' historical memory and religious perceptions. It is therefore essential to assess the accuracy of media representations by reference to reliable primary sources. The Saudi-produced historical television series *Muawiya* (2025), which addresses the first Islamic century, is among the most widely viewed dramatic productions in the Arab world. This study critically examines the series by assessing the extent to which its content corresponds with well-known historical, hadith, and biographical sources and by analyzing its discursive functions.

Methodology: Unlike previous studies, this research simultaneously

Cite this article: Changizi, Esmail; shafii, Seyyedruhollah; Abangah Azgomi, Masoumeh (2026). A Historical-Critical Analysis of the Television Series *Muawiya* in Light of Islamic Historical Sources. *Media and Religious Studies*, 7(28): 130-162.
<https://doi.org/10.22034/jmrs.2026.573257.1243>

Received: 2026/03/02 **Revised:** 2026/09/07 **Accepted:** 2026/09/08 **Published online:** 2026/03/19

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: IRIB University



critiques the series' visual and semiotic layers and its textual narratives from the perspective of well-known Sunni sources. It also examines these elements in relation to the ideological objectives underlying the reproduction of power in the contemporary Arab world. Drawing on media representation theory and employing a historical-critical method, the study analyzes the series' narrative, visual, and semiotic structures along four dimensions: civilizational components, historical iconography, distortion of events, and historical omissions.

Findings: The findings indicate that the series creates a marked disjunction from the lifeworld of early Islam through its use of material and architectural elements belonging to later centuries, its disregard for the geographical context of the Hijaz, its appealing and sanitized portrayal of Umayyad figures, and its passive representation of revered religious figures.

Discussion and Conclusion: The alteration of sensitive events, together with the deliberate omission of key episodes, produces an engineered narrative that legitimizes the Umayyad caliphate. The predominance of dramatic considerations over historical fidelity and the series' movement beyond the bounds of artistic representation are among its most salient features. The series thus appears to constitute an ideological attempt to legitimize contemporary power-centered models in the Arab world—an attempt that approaches the systematic distortion of history.

Keywords: Muawiya; historical television series; historical distortion; iconography; Umayyads; early Islam

نقد تحلیلی - تاریخی سریال معاویه در پرتو منابع تاریخ اسلام

اسماعیل چنگیزی ارهالی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛

Esmail.changizi@khu.ac.ir

سید روح الله شفیعی

استادیار گروه علوم و قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛

seyyedruollahshafii@khu.ac.ir

معصومه آبانگاه ازگمی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

m.abangah@khu.ac.ir

چکیده

هدف: رسانه‌های تصویری نقشی بنیادین در شکل‌دهی به حافظه تاریخی و ادراک دینی جوامع ایفا می‌کنند، از این‌رو سنجش صحت بازنمایی‌های رسانه‌ای با استناد به منابع

استناد به این مقاله: چنگیزی ارهالی، اسماعیل؛ شفیعی، سید روح‌الله؛ آبانگاه ازگمی، معصومه (۱۴۰۴). نقد تحلیلی-تاریخی سریال معاویه در پرتو منابع تاریخ اسلام. مطالعات دینی رسانه، ۷(۲۸): ۱۳۰-۱۶۲.

<https://doi.org/10.22034/jmrs.2026.573257.1243>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

© نویسندگان. نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه صدا و سیما



دست اول و موثق ضروری است. سریال تاریخی معاویه، تولید ۲۰۲۵ م. عربستان سعودی، از پرمخاطب‌ترین تولیدات دراماتیک جهان عرب در موضوع سده نخست هجری است. با هدف نقد و بررسی این متن رسانه‌ای، به ارزیابی میزان انطباق داده‌های آن با گزارش‌های مشهور منابع تاریخی، حدیثی و رجالی و تحلیل کارکردهای گفتمانی آن می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش: پژوهش حاضر با روشی متفاوت از پژوهش‌های گذشته و نقد هم‌زمان لایه‌های بصری، نشانه‌شناختی و گزارش‌های متنی سریال از منظر منابع مشهور اهل سنت و تطبیق آن با اهداف ایدئولوژیک بازتولید قدرت در جهان عرب امروز بر اساس نظریه بازنمایی رسانه‌ای و روش «تحلیل تاریخی-انتقادی»، ساختار روایی، بصری و نشانه‌شناختی اثر را در چهار محور «مؤلفه‌های تمدنی»، «شمایل‌نگاری تاریخی»، «تحریف رویدادها» و «ناگفته‌های تاریخی» بررسی کرده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سریال با کاربست عناصر مادی و معماری سده‌های متأخر، نادیده‌انگاری بافت جغرافیایی حجاز و تصویرسازی جذاب و تلطیف‌شده از چهره‌های اموی در برابر بازنمایی منفعلانه از اولیای دینی، گسستی آشکار با زیست‌جهان صدر اسلام ایجاد کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری: دگرگون‌سازی وقایع حساس در کنار حذف هدفمند رخداد‌های کلیدی، روایت‌های مهندسی‌شده و مشروعیت‌بخش از خلافت اموی، با غلبه درام بر امانت‌داری تاریخی و فراتر رفتن از یک بازنمایی هنری از ویژگی‌های بارز این سریال است. به نظر می‌رسد این سریال تلاشی ایدئولوژیک در راستای مشروعیت‌بخشی به الگوهای قدرت‌محور معاصر در جهان عرب بوده که تا آستانه تحریف نظام‌مند تاریخ پیش رفته است.

کلیدواژه‌ها: رسانه، تاریخ، تاریخ صدر اسلام، معاویه، سریال تاریخی، تحریف تاریخی، شمایل‌نگاری، بنی‌امیه.

بیان مسئله پژوهش

سریال معاویه به نویسندگی خالد صالح، روزنامه‌نگار مصری، به زبان عربی نگاشته شده و با کارگردانی طارق العریان، فیلم‌ساز فلسطینی-آمریکایی، ساخته شده است. این سریال، یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های تاریخی تلویزیونی در جهان عرب به‌شمار می‌آید. سریال معاویه در بیست قسمت و با صرف هزینه‌ای کلان، در ژوئیه ۲۰۲۲ میلادی، به سفارش شبکه «ام بی سی» عربستان سعودی (مرکز پخش خاورمیانه) در تونس فیلم‌برداری شده و پس از تأخیری چندساله، در ماه رمضان ۲۰۲۵/م ۱۴۰۳ ش در پلتفرم‌های مختلف به نمایش درآمد. به گزارش اغلب سایت‌های خبری، بودجه تخمینی سریال حدود صد میلیون دلار برآورد شده است (خالد، ۱۴۴۶).

داستان سریال، زندگی معاویه بن ابی سفیان، مؤسس سلسله اموی (د. ۶۰ ق.) از تولد تا وفات او است. علاوه بر این، بیننده می‌تواند وقایع حساس صدر اسلام را هم در این فیلم مشاهده کند. برخی از رویدادهای مرتبط با نهضت پیامبر ﷺ در مکه، مهاجرت حضرت به یثرب، فتح مکه و درگذشت پیامبر ﷺ از آن جمله‌اند. فیلم که دربردارنده تاریخ خلفای راشدین نیز هست، در اپیزودهای جداگانه ولی پیونددار، رویدادهای مهم این دوره را بازتاب می‌دهد.

به تصویر کشیدن چالش‌های روزگار خلافت عثمان بن عفان و قتل او به دست مخالفان و انتخاب امام علی علیه السلام به خلافت، فرازونشیب‌های دوران خلافت امام علی علیه السلام، به‌ویژه سرباز زدن معاویه به‌عنوان حاکم شام از فرمان امام علی علیه السلام و درگیری‌های وی با خلیفه وقت و در نهایت دستیابی او به قدرت از طریق صلح با امام حسن علیه السلام و تأسیس نخستین سلسله حکمرانی خاندانی در تاریخ اسلام، بخش مهمی از سریال را تشکیل می‌دهد. دوران حکومت معاویه کاملاً منطبق بر سبک روایی ساخته شده است و با بهره‌مندی از معماری محیط و تنوع ابزار و البسه و تجهیزات تلاش می‌شود ضعف فیلمنامه پوشانده شود. این سریال با انتقال قدرت به یزید و مرگ معاویه به پایان می‌رسد.

هدف و ضرورت پژوهش

گسترده‌گی این بازه زمانی سریال که حدود شصت سال از تاریخ اسلام را شامل می‌شود، ضرورت ارزیابی دقیق تاریخی اثر را برجسته می‌سازد. سنت تولید و پخش آثار تاریخی تلویزیونی در ماه مبارک رمضان در جهان عرب، در سال‌های اخیر به یک روند تثبیت شده بدل شده است. از سوی دیگر پخش سریال معاویه با تحولات مهم سیاسی اخیر همزمان گردیده است. سقوط خاندان اسد در سوریه و استقرار حکومت اسلام‌گرای «تحریر الشام» در آن کشور، مهمترین این تحولات است، به‌ویژه آن‌که گروه اخیر بخشی از مشروعیت خود را در دوره طلایی قدرتمندی شام، یعنی عصر امویان جست‌وجو می‌کند (برای مطالعه بیشتر نک: نیازی، ۱۴۰۳: ۱۰۵-۱۲۶). این همزمانی به حساسیت سریال افزوده و گمانه‌هایی درباره بهره‌گیری ایدئولوژیک از شخصیت تاریخی معاویه را تقویت کرده است.

با توجه به جایگاه بحث‌برانگیز معاویه در تاریخ اسلام و اختلاف رویکردهای شیعه و سنی نسبت به وی، تحلیل اهداف پشت ساخت چنین اثری اهمیت دوچندان می‌یابد. معاویه، با وجود مناقشات موجود، در تاریخ سیاسی اسلام موفق به پایه‌گذاری حکومتی سلطنتی با ظاهر خلافت اسلامی شد که قلمرو آن از غرب تا اقیانوس اطلس و از شرق تا مرزهای هند و چین گسترده بوده است. این امر، او را به الگویی بالقوه برای برخی جریان‌های سیاسی-نظامی معاصر، مانند تحریر الشام و نیز برای بازیگرانی قدرتمند در عرصه سیاست خاورمیانه، همچون محمد بن سلمان، ولیعهد و نخست‌وزیر عربستان سعودی تبدیل می‌کند. انتخاب زمان ساخت و پخش فیلم برای ارائه تصویری مثبت و دینی از معاویه به‌ویژه در پرتو حساسیت‌ها نسبت به خاندان ابوسفیان در منابع تاریخی و حتی منابع اهل سنت (ابن کثیر، ۱۳۷۷: ج ۸، ۱۲۵). پرسش‌برانگیز است. در این چارچوب، تولید سریال می‌تواند تلاشی برای بازسازی تصویر معاویه باشد، به‌گونه‌ای که نسل‌های قدیم و جدید مذهبی بتوانند این نسخه بازآفرینی شده را بپذیرند و با مصادیق معاصر آن هم‌ذات‌پنداری کنند.

در روزگار حاضر که آثار نمایشی اعم از فیلم، سریال، انیمیشن، و سایر قالب‌های رسانه‌ای، نه تنها روایتگر تاریخ که خود به‌عنوان منابع تاریخی ثانویه محسوب می‌شوند، بررسی

علمی آن‌ها اهمیتی دوچندان می‌یابد. این آثار با تأثیرگذاری عمیق بر افکار عمومی، به‌ویژه بر مخاطبانی که به مطالعه تخصصی تاریخ نمی‌پردازند، می‌توانند تا زمانی طولانی در حافظه فرهنگی و تاریخی یک جامعه ماندگار شوند. از این‌رو، نقد و ارزیابی محتوای تاریخی چنین آثاری، نه تنها از زاویه تطابق یا تضاد با باورهای مذهبی، بلکه بر پایه سنجش میزان انطباق آن‌ها با منابع معتبر، ضرورتی پژوهشی و مسئولیتی علمی برای اهل فن به شمار می‌آید.

ارزیابی علمی و مستند داده‌های سریال معاویه مسئله پژوهش حاضر است که با تمرکز بر دو سؤال اساسی انجام شده است: نخست، رویدادها، شخصیت‌ها و عناصر نمادین سریال تا چه اندازه با گزارش‌های منابع اولیه و مشهور تاریخ اسلام مطابقت دارد؟ دوم، پیامدهای این بازنمایی‌ها بر برداشت بینندگان از تاریخ صدر اسلام و جایگاه خاندان بنی‌امیه چگونه است؟

به این منظور صحنه‌ها، دیالوگ‌ها، طراحی صحنه‌ها و البسه و روایت کلی سریال به‌صورت تطبیقی با منابع حدیثی و تاریخی مقایسه می‌شوند؛ البته در این زمینه، بیش از همه از منابعی استفاده شده که مشهور و مورد وثوق محققان اهل سنت بوده یا دست‌کم تعارض کمتری با گزارش‌های منابع شیعی دارند.

بر این اساس تحلیل در چهار محور اصلی انجام شده است:

الف) مؤلفه‌های تمدنی و بازنمایی عناصر مادی فرهنگ صدر اسلام؛

ب) شمایل‌نگاری تاریخی و تصویرپردازی از شخصیت‌های کلیدی؛

ج) تحریف تاریخی، شامل تغییر، حذف یا جایگزینی روایت‌های حساس؛

د) ناگفته‌های تاریخی، یعنی حذف کامل برخی وقایع شاخص پیش و پس از هجرت که نقش تعیین‌کننده‌ای در نسبت بنی‌امیه با پیامبر اسلام ﷺ داشته‌اند.

ارزیابی سریال حاکی از آن است که تحریف‌های محتوایی نظام‌مندی در روایت زندگی معاویه و رویدادهای مهم صدر اسلام وجود دارد، به‌گونه‌ای که بسیاری از عناصر غیرمادی فرهنگ اسلامی (مانند آداب، نقش کنشگران دینی و مراسم مذهبی) با واقعیت‌های تاریخی یا نادیده گرفته شده یا جایگزین عناصر دیگری شده است. در شمایل‌نگاری سریال نیز برخی

شخصیت‌ها با ظاهری متفاوت از گزارش منابع اولیه به تصویر درآمده و در مواردی رفتارها و ویژگی‌های شخصیتی آنان با رویکردی تلطیف‌شده یا تقدیس‌آمیز نمایش داده شده است. در محور تحریف تاریخی، نمونه‌هایی چون تغییر در ماجرای اسلام آوردن معاویه، کتمان اقدامات خصمانه ابوسفیان و جابه‌جایی نقش‌ها در برخی رخدادها، کلیدی مشاهده می‌شود. همچنین در محور ناگفته‌ها، حذف مجموعه‌ای از وقایع حساس، از محاصره اقتصادی بنی‌هاشم و مثله کردن حمزه علیه السلام تا رویداد غدیر خم، سقیفه و اعتراض‌های علنی علیه عثمان، به شکل معناداری بر برداشت مخاطب از بنی‌امیه اثر می‌گذارد.

یافته‌های پژوهش این ذهنیت را ایجاد می‌کند که سریال پرهزینه معاویه، تلاشی نو برای بازنمایی تصویری قسمت‌هایی از تاریخ صدر اسلام است که با مستندات تاریخی موجود در منابع تاریخی، حدیثی و رجالی مشهور و مورد وثوق اهل سنت نیز همخوانی ندارد.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر را می‌توان در دو محور مختلف، یعنی پژوهش پیرامون برخی بازنمایی‌های رسانه‌ای اخیر مرتبط با تاریخ و نیز پژوهش پیرامون سریال معاویه به طور خاص پی گرفت. در نخستین محور، می‌توان به مقاله فصیحی و پاک‌نژاد (۱۳۹۵) اشاره کرد که بازنمایی رسانه‌ای پنج تن از شخصیت‌های سیاسی دوره رضاشاه را در دو سریال عمارت فرنگی و در چشم باد ارزیابی و نمونه‌هایی از تحریف تاریخ را در آن‌ها نشان داده‌اند.

دومین نمونه که به موضوع مقاله حاضر نزدیک‌تر است، بازتاب اسرائیلیات در فیلم محمد رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی نموده و ابعاد این آسیب را نشان داده‌اند (تقوی، ۱۴۰۰: ۴۵-۷۰). این پژوهش از سه منظر محتوای مورد بررسی (فیلم، نسبت به سریال)، معیار ارزیابی (اسرائیلیات، نسبت به همه اقسام تحریف) و منابع موجود (زندگی‌نامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش از بعثت، نسبت به تاریخ اسلام در سراسر دوره حیات معاویه) محدودتر از مقاله حاضر است. بدین ترتیب، پژوهش‌های یادشده تنها در هم‌راستایی عمومی خود با مقاله حاضر مشابهت دارند.

در محور پژوهش خاص پیرامون سریال معاویه، پوررشیدی علی بیگلر و ایرانی (۱۴۰۴) در مقاله خود با تأکید بر ویژگی‌های روایت‌شناختی سریال و بر اساس چارچوب نظری ژرار ژنت، شیوه بازسازی شخصیت معاویه و رخداد‌های صدر اسلام را تحلیل نموده و نشان داده‌اند سازمان‌دهی روایت در این مجموعه از الگوهای خاصی برای شکل‌دهی به ادراک مخاطب بهره می‌گیرد. تکیه پژوهش یادشده اغلب بر پنج مفهوم روایت‌شناختی نظم، مدت، تکرار، حالت و صداست تا بتواند «ارائه یک تفسیر مشخص از تاریخ و شخصیت‌های آن» و «تحریف واقعیت» را در سریال تحلیل نماید. هرچند این پژوهش در نتیجه خود با مقاله حاضر هم‌پوشانی‌هایی دارد، به این معنی که هر دو از تاریخ‌سازی و نه روایت‌گری تاریخ، در این سریال پرده برمی‌دارند، اما تطبیق صحنه به صحنه روایت سریال با منابع تاریخی را آن‌گونه که در این مقاله انجام شده، وجهه همت خود قرار نداده است.

در کنار پژوهش‌های یادشده، می‌توان به برخی واکنش‌ها در فضای حقیقی و مجازی نیز اشاره کرد که اغلب کوشیده‌اند سریال معاویه را از منظر پیامدهای فرهنگی، مذهبی و سیاسی یا تأثیر آن بر افکار عمومی بررسی نمایند. این واکنش‌ها بیشتر بر جایگاه این مجموعه در سیاست‌های فرهنگی عربستان سعودی، پیامدهای هویتی و مذهبی روایت ارائه‌شده در جهان معاصر، و بازتاب‌های اجتماعی آن -چه در جوامع مسلمان و چه مسلمانان اقصی نقاط جهان- تمرکز داشته‌اند؛ حتی یادداشت مورخی مانند حسن انصاری (۱۴۰۴) هم از این حدود فراتر نمی‌رود.

برخی یادداشت‌های نوشته‌شده یا مصاحبه‌های انجام‌یافته با تمرکز بر نقد تاریخی سریال نیز به بررسی موردی برخی رخدادها یا مفاهیم تاریخی محدود مانده و کمتر به ارزیابی جامع تاریخی آن پرداخته‌اند. نوشته مدّی (۱۴۰۴) را می‌توان نمونه‌ای از این دست واکنش‌ها در فضای مجازی دانست. هرچند ارزیابی بازنمایی سریال با منابع تاریخی در یادداشت‌های چهارگانه آزاد در کانال تلگرامی «آزادنامه» (۱۴۰۴) پررنگ است، اما فاقد چارچوب‌های پژوهشی لازم است. برای نمونه در آن به روش پژوهش، مبانی نظری، و معیارهای نمونه‌گزینی اشاره‌ای نشده است. بنابراین این سلسله‌یادداشت‌ها از ارائه الگویی کلان برای شرح بازنمایی

سریال بازمی‌مانند. آنچه محمد خلیلی (۱۴۰۵) در تارنمای خود منتشر نموده نیز ضمن تمرکز بر ابعاد ایدئولوژیک، رسانه‌ای و سپس تاریخی سریال آن را تلاشی برای بازسازی تصویر معاویه دانسته‌است. با این حال، نوشته او نیز اغلب ماهیت تحلیلی و رسانه‌ای دارد و کمتر به ارزیابی سریال بر پایه مقایسه تطبیقی آن با منابع تاریخی پرداخته‌است.

مرور این دست واکنش‌ها و نقدهای رسانه‌ای نشان می‌دهد که با وجود تنوع این آثار، اغلب آن‌ها در قالب یادداشت، گفت‌وگو، یا نقد کوتاه منتشر شده‌اند و از ساختار رایج مقالات پژوهشی برخوردار نیستند. افزون بر این، آثار یادشده کمتر به ارزیابی نظام‌مند و تطبیقی روایت سریال بر اساس منابع تاریخی، حدیثی و رجالی پرداخته‌اند؛ اما پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را پوشش دهد و الگوی بازنمایی تاریخ در سریال معاویه را از منظر تاریخی ارزیابی کند.

مبانی پژوهش

پژوهش حاضر نیم‌نگاهی به مفهوم «بازنمایی رسانه‌ای» (media representation) دارد. در مطالعات رسانه، بازنمایی تنها انعکاس واقعیت خارجی تلقی نمی‌شود، بلکه فرایندی است که طی آن معنا از طریق نظام‌های نشانه‌ای و روایت‌های رسانه‌ای بازتولید می‌گردد. بر این اساس باید گفت این گزینش، سازمان‌دهی، برجسته‌سازی و تفسیر داده‌هاست که تصویری اختصاصی رسانه از واقعیت را در اختیار مخاطب می‌گذارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: هال، ۱۳۹۸: ۵۶-۵۸، ۱۰۰-۱۰۹).

از این منظر، آثار نمایشی تاریخی را نمی‌توان بازتاب بی‌واسطه گذشته دانست، بلکه آن‌ها نوعی بازسازی رسانه‌ای تاریخ‌اند که رویدادها و شخصیت‌های تاریخی را در قالب ساختارهای روایی و مقتضیات نمایشی بازآفرینی می‌کنند. علاوه بر این، پژوهشگران حوزه حافظه فرهنگی بر این باورند که رسانه‌های جمعی در شکل‌دهی به ادراک عمومی از گذشته و ساخت حافظه تاریخی جوامع نقش بسیار مؤثری دارند (ارل، ۲۰۱۱: ۱۱۷-۱۱۹).^۱ بنابراین سریال‌های تاریخی را می‌توان از مهم‌ترین ابزارهای بازنمایی گذشته در فضای عمومی

دانست. هرچند این بازنمایی نباید از حدود مشخصی تجاوز کند و به وادی تحریف کشیده شود. بر پایه همین چارچوب مفهومی است که پژوهش حاضر سریال «معاویه» را به مثابه متنی رسانه‌ای، مطالعه می‌کند و می‌کوشد از طریق مقایسه روایت آن با گزارش‌های منابع معتبر تاریخی، الگوی بازنمایی آن را ارزیابی کند و نشان دهد تا چه اندازه با مقوله تحریف تاریخ صدر اسلام و شخصیت معاویه یکسان است.

روش‌شناسی پژوهش

بازنمایی تاریخ در رسانه‌های تصویری در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم در حوزه‌های مطالعات رسانه، تاریخ و دین تبدیل شده و نسبت‌سنجی بازنمایی‌های رسانه‌ای با مستندات تاریخی یکی از محورهای اساسی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای به‌شمار می‌آید. در پژوهش حاضر، سریال معاویه به مثابه متنی رسانه‌ای تلقی شده که تحلیل کیفی آن با استفاده از روش تحلیل تاریخی-انتقادی و نیز در نظر گرفتن مفهوم بازنمایی رسانه‌ای تاریخ به‌عنوان مبنایی نظری صورت گرفته است.

داده‌های لازم برای پژوهش از دو منبع اصلی گردآوری شده‌اند: نخست محتوای سریال، شامل صحنه‌ها، گفت‌وگوها، شخصیت‌پردازی‌ها و عناصر دیداری بازنمایی شده، و دوم گزارش‌های منابع تاریخی، حدیثی و رجالی مرتبط با بازنمایی‌های یادشده. در فرایند تحقیق، داده‌های مستخرج از سریال با گزارش‌های منابع معتبر تاریخی مقایسه شده‌اند. به‌منظور سامان‌دهی تحلیل، بررسی‌ها در چهار محور مؤلفه‌های تمدنی، شمایل‌نگاری تاریخی، بازسازی روایی رخدادها و ناگفته‌های تاریخی طبقه‌بندی گشته‌اند. شیوه تحلیل داده‌ها مبتنی بر مطالعه تطبیقی و تفسیر انتقادی بازنمایی‌هاست؛ بدین معنا که افزون‌بر سنجش میزان سازگاری روایت سریال با مستندات تاریخی، نحوه‌گزینش، برجسته‌سازی، تغییر و حتی حذف برخی عناصر نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۱. ارزیابی مؤلفه‌های تمدنی سریال

یکی از مهم‌ترین الزاماتی که باید در بازآفرینی رویدادها و فضاها برای تاریخی برای ایجاد حس باورپذیری و برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب رعایت شود، شبیه‌سازی فضای گفتمانی و زیست‌جهان تاریخی اثر با واقعیات دوران تاریخی است که مورد نظر نویسنده یا سازندگان فیلم است. در سریال معاویه، این اصل به‌وضوح نادیده گرفته شده است. شکل و صورت شخصیت‌ها، مکان‌ها، پوشاک و حتی سبک معماری خانه‌ها و فضاهای شهری در این اثر، اغلب با واقعیات‌های تاریخی ناسازگار و تصویرپردازی از آن‌ها بدون بررسی‌های تخصصی و هنری و به‌صورتی سطحی به نمایش درآمده است.

در برخی صحنه‌ها، معماری خانه‌ها و کوی و برزن‌ها و یا اثاثیه و پوشاک، با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی سده نخست هجری تفاوت چشمگیر دارد. به نظر می‌رسد فضای بازنمایی‌شده، بیش از آن‌که با دوره معاویه (قرن اول هجری) انطباق داشته باشد، یادآور سبک‌های رایج در سده‌های پسین، به‌ویژه عصر سلجوقی است.

زندگی معاویه در واقعیت، با ساده‌زیستی و سختی‌های فضای بیابانی و صحرایی شبه‌جزیره عربستان گره خورده بود. منابع تمدنی نشان می‌دهد که سرزمین مکه بر بستر آتشفشانی و بایر قرار داشت و کشاورزی تنها در جوار واحه‌ها و چشمه‌ها ممکن بود (زیدان، ۱۳۷۲: ج ۱، ۶۷). در چنین شرایطی، زیست قبیله‌ای که با بیابان‌گردی و حتی یورش به کاروان‌ها همراه بود، امری رایج محسوب می‌شد و در نگاه فرهنگی آن روز، جنایت تلقی نمی‌گردید (طبری، ۱۳۷۵: ج ۲، ۴۲-۴۳). این در حالی است که دکورهای سریال به‌طور عمده کاخ‌هایی باشکوه را با ستون‌های آجری، پرده‌های دالبری مدرن، تخت‌خواب‌های مجلل و خانه‌های دوطبقه نشان می‌دهد؛ تصاویری که با واقعیت معماری بومی مکه -جایی که سنگ و گل مصالح اصلی بودند- همخوانی ندارد. عکس‌های حج‌پژوهانی مانند محمد صدیق بیه (دهه ۱۸۸۰م) و کریستین اسنوک هورگرون (۱۸۸۴م) از مکه، هم فضای شهری و

هم بناها را در سادگی و خشکی محیط نشان می‌دهد و بر خیالی بودن لوکیشن‌های سریال مهر تأیید می‌زند (<https://fararu.com/fa/news>).

از دیگر سو، پوشاک نیز با شواهد تاریخی سازگار نیست. در سریال معاویه از پارچه‌های براق با گلدوزی و طرازدوزی پیچیده برای زنان و مردان در مکه و دمشق استفاده شده است، در حالی که تا دهه‌های نخست هجری، چنین پارچه‌هایی جز برای درباریان و فرمانروایان ارشد در دسترس نبود. زنان اشراف نیز اغلب پوششی بلند و ساده با سربند و روبند داشتند، اما پوشاک زنان خانواده معاویه در این سریال، بیش‌تر به لباس‌های مجلسی معاصر شبیه است تا به پوشش دوره صدر اسلام.

در بازنمایی معماری دمشق، کاخ معاویه که به دلیل سنگ‌های سبز مرمرینش به الخضراء شهرت داشت (بلاذری، ۱۳۷۱: ج ۵، ۱۶۲) از صحنه‌های فیلم حذف شده است. به نظر می‌رسد این کاخ که در حافظه تاریخی مسلمانان یادآور رنج‌های ابوذر، صحابی بزرگ رسول خدا ﷺ بوده و در دوران تبعیدش به دمشق همواره به عنوان سمبل اشرافیت مورد اعتراض وی قرار داشته است، به عمد نشان داده نمی‌شود.

در چیدمان خانه‌های اعراب در مکه پیش و پس از اسلام و یا در شهر مدینه پس از هجرت، به خطا، استفاده از مبل به سبک امروزی به نمایش درآمده است، و یا در صحنه‌ای دیگر، اصحاب مدینه هنگام دیدار با معاویه در مسیر دمشق روی مبل می‌نشینند، در حالی که تا سده چهارم هجری نشستن بر صندلی در محافل رسمی اسلامی متداول نبود و ملاقات‌کنندگان معمولاً در کنار تخت سلاطین می‌ایستادند و یا بر زمین حلقه‌وار می‌نشستند (برای نمونه، رک: ابن کثیر، ۱۳۷۷: ج ۸، ۱۲۹). بنابراین باید گفت سازندگان سریال درباره تاریخ اجتماعی و فرهنگی مسلمانان در دوره مورد بحث، از تحقیق و مشاوره‌های تخصصی محروم بوده‌اند. همچنین گمان می‌رود آنان به عمد چنین رویه‌ای را در صحنه‌آرایی‌های سریال در پیش گرفته‌اند. معماری و وضعیت مدنی شهر کوفه، مرکز خلافت حضرت علی علیه السلام، بسیار ساده و عاری از تجمل نشان داده می‌شود تا بیننده از طریق مقایسه این دو شهر (کوفه و دمشق)، بر برتری و توانایی مدیریتی معاویه در ساخت و اداره یک جامعه نسبت به علی علیه السلام، مهر تأیید بزنند.

از دیگر خطاهای سریال می‌توان به نادیده گرفتن فاصله جغرافیایی میان مکان رویدادها و توجه به زمان اشاره کرد. در روایت سریال، عتبه بن ابی سفیان (د. ۴۴ق.) پس از نبرد جمل در نزدیکی بصره (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ج ۲، ۸۲-۴۳۸) بلافاصله خون‌آلود و زخمی در کاخ معاویه در دمشق ظاهر می‌شود، حال آن‌که فاصله میان بصره و دمشق بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر است و برای طی این مسافت در شرایط عادی، به ده‌ها روز زمان نیاز است. به نظر می‌رسد اولویت‌بخشی به تهییج احساسات مخاطب، موجب نادیده گرفتن واقعیات شده است.

فراگیر بودن استفاده از شمشیرهای دمشقی در مکه دوره بعثت نبوی نیز نمونه دیگری از این نوع خطاهاست. به گزارش جرجی زیدان، صنعت فولاد و شمشیرسازی شام، به‌ویژه شهرت *سُیوف الدمشقیه* در دوره مکی - یعنی پیش از هجرت - جز مواردی اندک در حجاز چندان رایج نبود و قبایل، بیشتر از شمشیرهای یمانی یا هندی استفاده می‌کردند (زیدان، ۱۳۷۲: ج ۱، ۱۴۵-۱۴۶).

۲. ارزیابی شمایل‌نگاری تاریخی سریال

«شمایل‌نگاری»^۱ به مطالعه و تحلیل نمادها، تصاویر و نشانه‌های بصری گفته می‌شود، به‌ویژه زمانی که این نمادها به شخصیت‌ها، وقایع یا مفاهیم تاریخی، مذهبی و فرهنگی اشاره دارند (نک: پاکباز، ۱۳۹۰: ۵۶۷-۵۶۸). در سنت اسلامی، به‌خصوص در جوامع شیعی و سنی، محدودیت‌های مذهبی در نمایش مستقیم چهره‌های مقدس باعث شده تصویرپردازی به شیوه‌های غیرمستقیم و با تکیه بر ویژگی‌های رفتاری، پوشش و یا نمادهای خاص انجام شود. در پژوهش‌های تاریخ‌نگارانه، شمایل‌نگاری شامل گردآوری و تحلیل روایت‌ها و بازنمایی‌های تصویری شخصیت‌های تاریخی در هنر، ادبیات و رسانه‌های مدرن است تا روشن شود هر فرهنگ و دوره چگونه معانی و اهداف خود را در قالب تصویر منتقل می‌کند (همان).

همان‌گونه که بیان شد، در دوره معاصر رسانه‌های تصویری مانند سریال‌ها و فیلم‌ها نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی حافظه تاریخی دارند. مخاطبان، برداشت خود از وقایع گذشته را تا حد زیادی بر اساس آنچه در قاب تصویر می‌بینند، بازسازی می‌کنند. بازآفرینی تاریخ صدر اسلام در چنین قالب‌هایی، حساسیتی دوچندان می‌طلبد، زیرا کوچک‌ترین تغییر در ظاهر یا رفتار شخصیت‌ها می‌تواند فضای روایت را به سود یا زیان یک جریان خاص تغییر دهد. علاوه بر این، در ساخت فیلم‌های تاریخی، غیر از توانمندی‌های بازیگر، شباهت ظاهری با شخصیت تاریخی دارای اهمیت است، به‌ویژه آن‌که در شمایل‌نگاری‌ها که اغلب در منابع تاریخ‌نگاری مرسوم بوده، بسیاری از این جزئیات آمده است (برای نمونه نک: طبری، ۱۳۷۵: ج ۴، ۲۶۶؛ ابن اثیر، ۱۴۲۶: ج ۲، ۲۰۳). عدم مطابقت و حتی تضاد آن‌ها با واقعیت های تاریخی، حس بی‌اعتمادی به سایر روایت‌های سریال را به مخاطب القاء می‌کند، تا جایی که مخاطب آن را یک دروغ زیبا می‌پندارد. سریال معاویه یکی از نمونه‌های مهم در این زمینه است که ارزیابی شمایل‌نگاری، فاصله آن از منابع معتبر تاریخی را آشکار می‌سازد.

بررسی تطبیقی ظاهر بازیگران این سریال با توصیف‌های منابع معتبر تفاوت‌های چشمگیری دارد. برای نمونه، هند بنت عتبه (د. ۱۴ق.) و مادر معاویه در روایت‌های تاریخی زنی درشت‌اندام معرفی شده، تا جایی که بزرگی برخی اندام‌های او مانند نشیمنگاهش، ضرب‌المثل و مایه تمسخر بوده است. ابوهیره گزارش کرده که: «هند را در مکه دیدم، صورتش چون نیمه ماه بود و پشتش از بزرگی مانند مرد نشسته بود.» (ابن کثیر، ۱۳۷۷: ج ۱۱، ۳۹۸) در سریال، هند فردی لاغراندام و شبیه مدل‌های جدید اروپایی ظاهر می‌شود. روشن است هدف از این تغییر چهره و اندام، افزودن بر جذابیت شخصیت او به‌منظور زدودن صفت آکله الأکباد (جگر خوار) از ذهن مخاطب است (نک: یاقوت، ۱۹۹۳: ج ۴، ۱۸۱۲).

ابوسفیان بن حرب (د. ۳۰ق.)، پدر معاویه، نیز در منابع کوتاه قد، فربه، سالخورده با ریش انبوه سفید (ابن اثیر، ۱۴۲۶: ج ۳، ۳۲۴) توصیف شده است، ولی وی در سریال فردی جوان، معتدل، خوش‌اندام با ظاهری آرام و موقر به نمایش درآمده است. تصویر ابوبکر بن ابی قحافه (د. ۱۳ق.) نیز با گزارش‌های تاریخی سازگار نیست. منابع تاریخی وی را فردی با

چهره‌ای سفید آمیخته به زردی و جسمی نحیف و لاغر که گوشت کمی بر بدن داشت توصیف کرده‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۱۸۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۳۰، ۳۶۸). همچنین گزارش شده که پشتش اندکی خمیده و گونه‌ای شاداب و کم‌گوشت داشت، چشمانش فرورفته و بینی‌اش، از وسط، برآمده و دارای سوراخ‌های کوچکی بود. او را به داشتن ساق‌های باریک و ران‌هایی کم‌گوشت، اما محکم و چابک وصف کرده‌اند (بلاذری، ۱۳۷۱: ج ۱۰، ۱۹۴). پیشانی‌اش بلند و کشیده بود و انگشتانش، استخوانی و یکنواخت و ریشش را با حنا رنگ می‌کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۳۰، ۳۶۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۱۳۵؛ مسلم، ۱۴۱۲: ج ۷، ۱۰۸). بر خلاف این اوصاف، در سریال از او مردی چهارشانه و قوی‌بنیه ساخته و به نمایش درآورده‌اند، امری که از اعتماد مخاطبین اهل نظر و آگاه می‌کاهد.

چهره‌ای که برای شخص معاویه به تصویر کشیده شده است، بیش از همه جالب توجه است. معاویه که در منابع فردی ق‌دبلند، چاق، با شانه‌های پهن، ران‌های بزرگ، شکم برآمده و محاسنی زردرنگ معرفی شده (ابن عساکر، بی‌تا: ج ۵۹، ۶۴) کمترین شباهت را به نقش معاویه در این سریال دارد. ذهبی معاویه را از پُرخوران دنیا برشمرده که هرگز سیر نمی‌شد (ذهبی، ۱۴۱۴: ج ۳، ۱۲۳). به گزارش ابن کثیر وی روزانه هفت وعده غذا می‌خورده و نخستین حاکمی بود که در جهان اسلام به دلیل چاقی شکم، نشسته خطبه خواند (ابن کثیر، ۱۳۷۷: ج ۸، ۱۲۳-۱۳۸). معاویه محاسن خود را با رنگ زرد خضاب می‌کرد، به گونه‌ای که طلایی دیده می‌شد و گفته شده که کنیزی کارآزموده نیز برای این کار داشت که مسئول رنگ کردن محاسنش بود (ابن عبدربه، ۱۴۰۷: ج ۳، ۴۴۷). معاویه در این سریال با ظاهری متفاوت از آنچه در منابع تاریخی گزارش شده و البته با گریم امروزی نمایان شده است که موجب دلزدگی مخاطب نشود و حتی جاذبه بیشتری هم داشته باشد. در مجموع، صحنه‌پردازی‌ها با استفاده از بازیگران کشورهای حوزه شامات، نشان‌دهنده جلوه‌های بصری حجاز ۱۴۰۰ سال پیش نیست. استفاده از بازیگران با پوست‌های سفید و موهای بور و قهوه‌ای، محیط حجاز را تداعی نمی‌کند.

مبارزه وی با رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. طبیعی است در منزل کسی که بت پرست است و با یکتاپرستی در حال مبارزه است، باید شاهد نمایش بتان در صحنه‌های فیلم باشیم، ولی سازندگان فیلم ترجیح داده‌اند منزل وی را عاری از حضور بتان نشان دهند.

از نظر رفتاری، سازندگان فیلم با حذف یا تغییر گزارش‌های منفی منابع تاریخی، کوشش کرده‌اند قهرمان‌سازی ایشان از شخصیت معاویه مخدوش نشود. بسیاری از منابع، معاویه را اهل شوخی‌های ناپسند و گاه رفتارهای تحقیرآمیز نسبت به مخالفان توصیف کرده‌اند (برای نمونه، رک: بلاذری، ۱۳۷۱: ج ۵، ۶۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۵۹: ۱۷۷). برای مثال، معاویه در گفت و گو با شریک بن اعور، زشت‌رویی او و نقصان چشم پدرش اعور (یک چشم) را به استهزاء گرفته بود تا ریاست وی بر قبیله‌اش را تحقیر کند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۵۹، ۱۷۷، بلاذری، ۱۳۷۱: ج ۵، ۶۷، ۱۳۳). جاریه بن قدامه هم با تشبیه به زنبور مورد طعن و تحقیر معاویه قرار گرفته است (ابن عبدربه، ۱۴۰۷: ج ۳، ۴۰۴). استهزای اندام‌های ظاهری دارمیه حجوئیه که زنی از دوستاناران حضرت علی علیه السلام بود (ضبی، ۱۴۰۳: ۴۰-۴۱)، نمونه ای دیگر از این رفتارها می‌یابیم که پسندیده نیستند.

معاویه در خصوص مادرش نیز از استهزاء و مزاح‌های ناپسند ابایی نداشت (ابن عبدربه، ۱۴۰۷: ج ۱، ۵۱). برخی از مورخین با استناد به حدیث، صفت «علم و حلم» را برای معاویه آورده تا از قباحات چنین گفتارهایی بکاهند (رک: ابن کثیر، ۱۳۷۷: ج ۸، ۱۲۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۶۲، ۴۰۳).

در سکانس‌های گوناگون سریال، شیوه رفتاری معاویه، نحوه سخن گفتن او به‌ویژه با بانوان و نحوه راه رفتن وی همراه با متانت، وقار و احترام نشان داده می‌شود تا او را شخصیتی پرهیزگار، به‌شدت اهل نماز و نیایش، آرام، کم حرف و گزیده‌گوی معرفی کند که اغلب با نگاه‌های نافذ معنادارش، مخاطب را شیفته خود می‌سازد. اهمیت موضوع آنجا بیشتر می‌شود که در مورد شخصیت‌های مقابل معاویه همچون امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام، با وجود آنکه سعی شده بی‌حرمتی آشکاری به آن‌ها نشود، به‌گونه‌ای ناخوشایند به تصویر کشیده شده‌اند. در سریال، امام علی علیه السلام با اینکه تنها پنج سال از معاویه بزرگ‌تر است، پیرمردی منفعل و عامل

رکود و ایستایی در برابر ابهت و صلابت معاویه نشان داده شده که یاران و نزدیکانش با انگشت برایش خط و نشان می‌کشند و وی توان اداره یاران خود را هم ندارد، درحالی‌که اوصاف حضرت علی علیه السلام در منابع تاریخی با آنچه که در این سریال نمایش داده می‌شود، تفاوت‌های بسیاری دارد. در منابع او فردی قوی، چهارشانه با قامتی متوسط، گردنی محکم، پیشانی پهن و بلند و گندمگون مایل به سفیدی و سرخی توصیف شده است (رک: اربلی، ۲۰۱۲: ج ۱، ۱۴۶).

شخصیت امام حسن علیه السلام نیز در سریال به‌گونه‌ای طراحی شده که وقتی در برابر معاویه قرار می‌گیرد، حس برتری معاویه در برابر ایشان به مخاطب القا می‌شود. حضرت، لاغراندام و نحیف، کوتاه‌قامت و چونان نوجوانی کم‌تجربه در برابر هیبت معاویه به تصویر کشیده شده است، به‌طوری‌که وقتی در مقابل معاویه قرار می‌گیرد، به شانه‌های معاویه هم نمی‌رسد. بدون شک چنین تصویری جای تردید برای مخاطب باقی نمی‌گذارد که معاویه از هر جهت برای اداره حکومت اسلامی، مناسب‌تر از چنین فردی است. وصفی که از امام حسن علیه السلام در کتب تاریخی و جز آن‌ها آمده است، در سریال معاویه مفقود است. آن حضرت که در این زمان ۳۷ سال داشت، به گزارش منابع سفیدرو، خوش‌چهره، دارای استخوان‌بندی درشت و شانه‌هایی پهن با فاصله زیاد از هم بود و چشمانی درشت و نافذ داشت (ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۷۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۱۳، ۲۵۳).

چنین فاصله‌گیری‌های آشکار از توصیف‌های تاریخی در شمایل‌نگاری سریال، نه تنها با بی‌دقتی همراه گردیده است، بلکه ظاهراً عوامل سازنده آن، درصدد بوده نگرش مخاطب عام را نسبت به شخصیت‌های کلیدی صدر اسلام تحت تأثیر قرار دهند.

۳. تحریفات تاریخی سریال

الف) جایگاه زن و خانواده در خاندان معاویه

رفتاری که از معاویه در برابر زنان و کنیزان در سریال مشاهده می‌شود، بر اساس تخیلات نویسنده و یا کارگردان فیلم سامان‌دهی شده است، وگرنه منابع تاریخی در این باره سکوت

کرده‌اند. بنابراین تیمارداری معاویه از همسرش، کنود و وفاداری به او حتی پس از مرگ وی، رفتار محترمانه او در خواستگاری از میسون، مهربانی با جویریہ، یکی از خواهرانش که در منزل وی سکونت دارد و دلجویی‌های گاه و بی‌گاه از او و رفتارهای محترمانه و عاشقانه با دو تن از کنیزانش را که در فیلم شاهد هستیم، باید جزئی از کوشش سازندگان برای فعال ساختن تخیل تماشاگران و ساختن دنیایی خیالی و دور از واقعیت و ایجاد محیطی دراماتیک به‌شمار آورد.

در فیلم‌های سبک هالیوودی که محور آن‌ها نمایش یک قهرمان و یا ابرقهرمان است، اغلب برای ایجاد جذابیت و تحریک احساسات مخاطبان، از دیالوگ‌ها، شخصیت‌ها و صحنه‌های غیرواقعی سود می‌جویند تا بار درام را بر روی تخیل قرار دهند. در این‌گونه فیلم‌ها شخصیت‌پردازی به‌شدت منوط به رفتار کاراکتر در خانه و با خانواده است. در ساخت سریال معاویه نیز با بهره‌جویی از همان روش، کارگردان تلاش می‌کند تا با ایجاد هم‌ذات‌پنداری در مخاطب، معاویه را نزد مخاطب محبوب سازد.

بیننده با دیدن این صحنه‌های دراماتیک، فرهنگ خشونت‌آمیز عرب جاهلی با زنان را فراموش می‌کند و تصویری نو از معاویه که الگوی یک مرد تمام‌عیار، عاشق‌پیشه و خانواده‌دوست است، در ذهن او نقش می‌بندد. تعدد زوجات و کنیزداری معاویه، در فیلم محدود می‌شود تا بار منفی نداشته باشد و فقط سه ازدواج او با کنود، فاخته و میسون به تصویر کشیده شده و از نمایش بقیه ازدواج‌ها صرف‌نظر کرده‌اند. در مورد کنیزان نیز به روابط عاشقانه او با دو تن از آنان اکتفا شده است (برای مطالعه بیشتر رک: ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۶، ۱۶۰-۱۶۱). این‌گونه نمایش‌ها در مورد خانواده ابوسفیان هم مشاهده می‌شود. در فصل اول سریال، خانواده ابوسفیان منتظر دخترشان، رمله (ام حبیبه)، برای نشستن سر سفره هستند. حضور رمله (د. ۴۴ق.) که بعدها به همسری پیامبر ﷺ درآمده (رک: ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۸، ۷۰-۷۱) برای خانواده مهم‌نشان داده شده و حتی نوعی زن‌سالاری پنهان محسوس است، درحالی‌که منابع تاریخی معتبر حاکی از آن هستند که عرب جاهلی معمولاً برای دختران و زنان چنین ارزشی قائل نبودند (رک: علی، ۱۳۹۱: ج ۵، ۵۲۱-۵۶۰).

ابوسفیان این سریال با مصادره یک حقیقت تاریخی، یکی از دخترانش را «ریحانه» می‌خواند، نامی که به اتفاق منابع از سوی پیامبر ﷺ بر دخترش فاطمه علیها السلام نهاده شده (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۸، ۱۹) و در هیچ‌یک از منابع اشاره‌ای به آن در مورد فرد دیگری از جمله ابوسفیان دیده نمی‌شود. مخالفان پیامبر ﷺ از نبود فرزندان پسر باقی مانده برای او به عنوان وسیله‌ای برای تحقیر استفاده می‌کردند، موضوعی که برخی مفسران، شأن نزول سوره کوثر را مرتبط با آن دانسته‌اند (رک. سیوطی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۶۲۱).

سازندگان سریال تلاش کرده‌اند آنچه در تاریخ اسلام به عنوان سنت نبوی در خانواده شناخته شده است را به خانواده ابوسفیان نسبت دهند و یا دست کم رفتار آنان را بر همان طریق اخلاقی نشان دهند. تماشاگر خانواده‌ای منسجم را می‌بیند که هند تنها همسر ابوسفیان است، در حالی که به گزارش منابع تاریخی، ابوسفیان نیز چونان اغلب مردان عصر جاهلی چند همسر و نیز خانه‌های متعدد در مکه داشته است (فاکهی، ۱۴۲۴: ج ۳، ۱۹۸). منابع تاریخی از رباخواری، برده‌داری (بلاذری، ۱۳۷۱: ج ۵، ۲۵۱-۲۶۰) و روابط غیراخلاقی او با زنان مشهور مکه و طائف، از جمله سمیه، کنیز حارث بن کلدۀ (ابن اثیر، ۱۴۰۸: ج ۳، ۴۴۴-۴۴۵) سخن گفته‌اند. در این سریال، با نادیده گرفتن اطلاعات منابع اسلامی، ابوسفیان، تاجری شریف و پایبند به اخلاق تجارت، خانواده‌دوست و در یک کلام چونان حکیمی دورانیش، متعهد و متخلق به تصویر کشیده شده که حس تحسین مخاطب را برمی‌انگیزد.

رابطه هند و ابوسفیان نیز در سریال عاشقانه و زیبا تصویر شده، تا آنجا که ابوسفیان در لحظه مرگ، نام «هند» را بر زبان می‌آورد (رک: ذهبی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۲۳؛ همو، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۹۹). شهرت هند به فساد اخلاقی پیش از اسلام و استمرار آن بعد از ازدواج با ابوسفیان، مانع باورمندی تاریخی این رابطه عاشقانه است (برای آگاهی بیشتر در باره او رک: ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۱۸۴-۱۸۵).

ب) ولادت و وفات معاویه

را آورده و به گزارش‌های بیشتر منابع که آن را پانزده سال قبل از هجرت دانسته‌اند، توجه نکرده است (قس: طبری، ۱۳۷۵: ج ۴، ۲۳۹). سازندگان سریال در بازنمایی محل تولد معاویه نیز دست به تحریف زده‌اند. بنا بر گزارش‌های معتبر، هند در جایی کنار کنار کوه اجیاد و نه در منزلش، معاویه را به دنیا آورد. از این‌روست که حسان بن ثابت در شعری او را فرزندی بر زمین ره‌اشده در کنار بطحاء خوانده است (نک: زمخشری، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۷۶).^۱ در سریال سعی شده تولد معاویه در منزل ابوسفیان در مکه و با حضور پرشور دوستان و بزرگان قریش از جمله ابولهب نشان داده شود تا معاویه را ثمره زندگی عاشقانه هند و ابوسفیان و فخر بنی‌امیه نشان دهد (نک: زمخشری، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۷۵-۲۷۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۷، ۱۷۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۸، ۲۵۵، سبط ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۱۸۴-۱۸۶).

تحریف دیگر مربوط به صحنه مرگ معاویه است. در یک سکانس، یزید در شام و کنار پدرش هنگام وصیت‌نامه‌نویسی در لحظات پایانی عمر او نشان داده می‌شود. با رجوع به منابع درمی‌یابیم که یزید بن معاویه، آن هنگام در دمشق نبوده است و معاویه وصایای خود را به ضحاک بن قیس سپرده بود (ابن اثیر، ۱۴۰۸: ج ۴، ۸ و ۹). گزارش ابن اعثم کوفی از ابتلای معاویه به بیماری سخت در ابواء، افتادن وی در چاه، کج شدن فک، ناتوانی در سخن گفتن، لرزش شدید و عطش مفرط تا هنگام مرگ، تصویری بسیار متفاوت با بازنمایی سریال از واپسین روزهای حیات معاویه که در اوج آرامش و وقار چونان رهبری که به رسالت خود عمل نموده و اکنون نگران امت پس از خود بود، ارائه می‌کند (رک: ابن اعثم، ۱۴۱۱: ج ۴، ۳۴۴).

ج) اسلام آوردن معاویه

سریال معاویه (۲۰۲۵ م.) بیش از آنکه بازتاب‌دهنده تمامی واقعیات تاریخ صدر اسلام باشد، روایتی گزینشی به نفع خاندان بنی‌امیه ارائه می‌دهد که در آن بخش‌های منفی زندگی و کنش‌های برخی از شخصیت‌های اصلی حذف شده و بر جنبه‌های مثبت یا احساسی آن‌ها

۱. لَمَنْ الصَّبِيُّ بِجَانِبِ الْبُطْحَاءِ فِي التَّرَابِ مُلْقَى غَيْرِ ذِي مَهْدٍ

تأکید شده است. چنین رویکردی باعث می‌شود حتی چهره‌هایی با کارنامه‌ای تیره در تاریخ به‌گونه‌ای دیگر و گاه ترحم‌برانگیز بازنمایی شوند.

برای نمونه ارائه تصویری احساسی از داغدار شدن هند به سبب قتل پدر و برادرش در نبرد بدر، مخاطب را به همدردی با او فرا می‌خواند و به این طریق در فیلم کوشش می‌شود تا دلیل دشمنی و کینه مادر معاویه از پیامبر ﷺ و مسلمانان توجیه شود و اقدام ابوسفیان در برپایی احد را معلول احساس تلافی‌جویانه هند نشان دهد. در نتیجه بر خلاف گزارش‌های مشهور که عام و خاص از آن‌ها آگاهند، شاهد نمایشی کوتاه از نبرد هستیم و رویدادهای مهمی چون شهادت حمزه علیه السلام، مثله شدن و شکافتن سینه و به دندان گرفتن جگرش توسط هند سانسور می‌شود (نک: ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۳، ۵۶؛ ابن کثیر، ۱۳۷۷: ج ۴، ۳۷۷).

از سویی دیگر در سریال، به‌گونه‌ای تحریف‌آمیز تلاش شده معاویه از کودکی متمایل به اسلام نشان داده شود و با سؤالات متعدد این علاقه‌مندی به تصویر کشیده شده است. در زمان فتح مکه به سال هشتم هجرت نیز معاویه به‌گونه‌ای نمایش داده شده که گویی مشتاقانه منتظر ورود مسلمانان بوده و به محض آنکه صدای تکبیر سپاه اسلام را در نزدیکی مکه می‌شنود، در خلوت خود به نماز می‌ایستد. در حقیقت این حس به مخاطب القاء می‌شود که وی مدت‌ها پیش از آن اسلام را پذیرفته ولی اظهار نکرده است، درحالی‌که منابع تاریخی متفق‌اند که معاویه به همراه خانواده‌اش در سال هشتم هجری، پس از فتح مکه به اجبار اسلام آورد و از «طلاق» و «مؤلفه قلوبهم» محسوب می‌شود (واقعی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۸۹۱-۸۹۴).

ادعای ایمان آوردن پیش از فتح اگر پذیرفته شود، لازمه‌اش پذیرش ترس و کم‌جراتی اوست، چراکه در این صورت باید هجرت می‌کرد و نیازی به دریافت هدایا از پیامبر ﷺ نبود. شواهد تاریخی از جمله گفت‌وگوی پیامبر ﷺ با ابوسفیان پیش از فتح و رفتارهای بعدی ابوسفیان و معاویه در جنگ حنین، نشان از عدم ایمان واقعی و حتی شادی از شکست مسلمانان دارد (واقعی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۸۹۵-۸۹۶). اگر ابوسفیان در اسلام آوردن در زمان فتح نزد رسول خدا ﷺ با ذکر جمله «أما هذه، ففي النفس منها شيء» (واقعی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۲۰-۸۲۲) ناچاری در پذیرش اسلام توسط وی را به‌خوبی نشان می‌دهد.

در این سریال، دگرگونی سریع و مثبت شخصیت ابوسفیان به گونه‌ای باورناپذیر و حتی طنزآمیز نشان داده می‌شود، به‌صورتی که او در قالب یکی از حامیان اصلی پیامبر ﷺ ظاهر می‌شود. این نمایش در تضاد با گفتار تاریخی ابوسفیان پس از بیعت با عثمان است که حکومت را امری زمینی و موروثی میان بنی‌امیه دانسته بود (ابن حجر، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۷۰). سریال بر پایه پدیده جنگ و جهاد ساخته شده است و از آنجا که معاویه نقش چندانی در سریه‌ها و غزوات دوره پیامبر ﷺ نداشته است، سازندگان سریال متوجه این نقیصه شده و تلاش کرده‌اند با تمرکز بر کتابت وحی او، وی را در دوران رسول الله ﷺ فعال و پُرثمر نشان داده و این ضعف را برطرف سازند (نک: ابن کثیر، ۱۳۷۷: ج ۴، ۲۹۴).

د) ویراست جدید از صفین

در این سریال، ویراست جدیدی از نبرد صفین و ماجرای مقابله معاویه با حضرت علی علیه السلام ارائه شده است. روایت سریال برخلاف گزارش‌های تاریخی منابع معتبر شیعی و سنی طرفدار اهل بیت که معاویه را مقصر اصلی صفین معرفی کرده‌اند (نک: ابن اعثم، ۱۴۱۱: ج ۴، ۲۹۰؛ ابن کثیر، ۱۳۷۷: ج ۸، ۲۵۶-۲۵۷) و نیز بر خلاف منابع اموی و عثمانی که حضرت علی علیه السلام را مقصر می‌دانستند (ابن عربی، ۱۴۱۹: ۱۶۸)، هر دو طرف، یعنی علی علیه السلام و معاویه را برحق و متأسف از وقوع جنگ نشان داده و با نشان دادن محمد بن ابی‌بکر با سیمایی قدرت‌طلب، و مالک اشتر با چهره‌ای خشن و عصبانی مسئولیت این درگیری را آنان نسبت داده است.

در سریال سعی شده به گونه‌ای نمایش داده شود که معاویه به سبب آنکه از فاتحان شام بوده، حکومتش بر آن سرزمین، قانونی بوده و سایر خلفا از قبیل عمر بن خطاب، عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب علیه السلام حق عزل یا ابقای او را نداشته است. همچنین برای ارائه پاسخ قانع‌کننده‌ای به مخاطب درباره علت رویارویی معاویه با حضرت علی علیه السلام درحالی که وی خلیفه وقت مسلمانان بود، زیاده‌خواهی یاران حضرت علی علیه السلام برای دستیابی به حکومت شام نشان داده می‌شود که حضرت را تحت فشار قرار داده و با اصرارهای خود، امیرالمومنین را بر

خلاف میلش به مقابله با معاویه وادار می‌کنند. بنابراین در این سریال، هیچ اشاره‌ای به تمرّد معاویه از دستور حضرت مشاهده نمی‌شود؛ البته این رویکرد در تمام صحنه‌های تاریخی برای حضرت علی علیه السلام تصویر شده است، به گونه‌ای که حضرت در هیچ مقطع تاریخی (پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)، پس از تعیین شورای شش نفره، رویارویی با معاویه، انتخاب ابوموسی اشعری برای حکمیت) اظهارنظری نداشته و کاملاً موافق رأی جماعت بوده است. این درحالی است که پاسخ‌های محکم آن حضرت در مورد ادعای معاویه در خصوص امارت شام در منابع مختلف تاریخی درج شده است (برای نمونه رک: ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸: ج ۱۷، ۲۵۱-۲۵۲).

هـ) ماجرای صلح معاویه و امام حسن علیه السلام

ماجرای صلح امام حسن علیه السلام و معاویه ازجمله مباحث سریال است که دستخوش تحریف و دگرگونی شده است. سریال، امام حسن علیه السلام را شخصیتی مشتاق و راضی به صلح با معاویه نشان می‌دهد، تا آنجا که از قبول زحمت خلافت توسط معاویه شاکر است و دو طرف گویی منصب خلافت را به یکدیگر تعارف می‌کنند. این در حالی است که بیشتر منابع تاریخی، علت صلح را ناچاری امام حسن علیه السلام بیان کرده و به نارضایتی ایشان از پایبند نبودن معاویه به مفاد صلح اشاره نموده‌اند (طبری، ۱۳۷۵: ج ۵، ۱۵۳-۱۵۴).

روایت سریال درباره شروط صلح، خلاف شأن امام است و ایشان را فردی مادی و محتاج حمایت جلوه داده است، تا آنجا که گویا پس از درخواست مالی، ناگهان به یاد پدر افتاده و دشنام ندادن به حضرت علی علیه السلام را نیز به عنوان یک شرط مطرح می‌کند. در متون معتبر، با وجود اختلاف در جزئیات مفاد قرارداد، مشهور است که امام حسن علیه السلام نخست عبدالله بن نوفل بن حارث را برای مذاکره نزد معاویه فرستاد و پیام داد که به شرطی صلح را می‌پذیرد که شیعیان علی علیه السلام در امنیت باشند و آسیبی نبینند. عبدالله علاوه بر این، شروط دیگری را نیز افزود، ازجمله پنج میلیون درهم از خزانه برای امام حسن علیه السلام، خراج سالانه داربگرد و واگذاری خلافت به امام حسن علیه السلام پس از معاویه. معاویه نیز ابتدا با همه این شروط

موافقت کرد و حتی کاغذ سفیدی را امضا نمود تا امام هرچه خواست در آن بنویسد، اما امام حسن (علیه السلام) با شروط مالی عبدالله مخالفت کرد و خود شروط دیگری را نوشت که هیچ یک جنبه مالی نداشت (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ج ۴، ۲۹۰).

تأمین امنیت شیعیان علی (علیه السلام) در سراسر شام، عراق، تهامه و حجاز، پرهیز از تهدید و آسیب رساندن معاویه به امام حسن (علیه السلام)، برادرش امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم السلام)، متعهد شدن معاویه به قرآن، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سیره خلفای صالح و عدم انتخاب جانشین از سوی معاویه و واگذاری آن به شورای مسلمانان از جمله مفاد این عهدنامه بود. نکته مهم این است که در هیچ منبع تاریخی نیامده که امام حسن (علیه السلام) خود برای انعقاد صلح نزد معاویه رفته باشد.

منابع متعدد گزارش کرده‌اند که معاویه نه تنها به مفاد صلحنامه پایبند نماند، بلکه پس از آن وارد کوفه شد و گفت: هر شرطی که کردم، پس می‌گیرم و هر وعده‌ای دادم، زیر پا می‌گذارم (مقدسی، بی تا: ج ۵، ۲۳۷) و خطاب به مردم اذعان داشت: «من با شما جنگیدم تا نماز و روزه و حج به‌جا آورید، بلکه جنگیدم تا بر شما حاکم شوم.» (ابن اثیر، ۱۴۰۸: ج ۳، ۴۰۵). وی سبب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را رسمی کرد، شماری از شیعیان مانند حُجر بن عدی را به قتل رساند (طبری، ۱۳۷۵: ج ۵، ۲۷۵) و پسرش یزید را به ولیعهدی منصوب کرد (همان: ۳۰۴). در این سریال از تمامی این اقدامات، غیر از انتصاب یزید به ولیعهدی، چشم‌پوشی شده است.

تحریف وقایع تاریخی دیگر نیز وجود دارد و پرشمار است که در اینجا تنها به ذکر برخی از آن‌ها بسنده می‌شود. در سریال، قتل خبیب بن عدی، از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، به راحتی و با یک ضربه شمشیر نمایش داده شده است که با گزارش منابع تاریخی همخوان نیست. او پس از شکنجه توسط ابوسفیان به دار آویخته شده بود و مرگ وی را اولین اعدام با به دار آویختن در تاریخ اسلام دانسته‌اند (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۷۶).

نماز گزاردن مسلمانان به امامت ابوبکر در ایام کسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، فضیلتی بی‌سابقه نشان داده می‌شود، حال آنکه چنین کاری پیش‌تر توسط برخی صحابه همچون سعد بن عباد (همان: ۲۲۱)، زید بن حارثه (واقعی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۷۳۴)، عبدالله بن ام‌مکتوم (ابن

سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۵۸۹) در غیاب پیامبر ﷺ صورت گرفته بود. تغییر گوینده خبر رحلت پیامبر ﷺ از دیگر تحریفات تاریخی سریال است. بنا بر نقل منابع تاریخی، عباس نخستین بار خبر درگذشت پیامبر ﷺ را به مردم می دهد (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۲، ۳۵۲)، اما در سریال ابوبکر بن ابی قحافه جایگزین عباس می شود. توجه به این نکته مهم است که به اتفاق منابع، ابوبکر هنگام رحلت نبی خدا ﷺ در مدینه حضور نداشت (طبری، ۱۳۷۵: ج ۳، ۲۰۱؛ ابن کثیر، ۱۳۷۷: ج ۵، ۲۶۳-۲۶۵).

از دیگر موارد دگرگون کردن واقعیت ها در نمایش، به نبرد بدر مربوط می شود. در کتب تاریخ آمده معاویه در جنگ بدر در کنار برادرانش، حنظله و عمرو شرکت داشته است و چون حنظله کشته می شود و عمرو اسیر می گردد، راه گریز در پیش می گیرد و پیاده خود را به مکه می رساند (برای نمونه، نک: ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸: ج ۱۵، ۸۴-۸۵). در سریال و هنگام نمایش این جنگ، خبری از حضور معاویه نیست.

۴. ناگفته های تاریخی سریال

سازندگان سریال برای آنکه تصویر تقدیس شده ای که از بنی امیه ساخته اند، مخدوش نگردد، به طور گزینشی رویدادهای تاریخی را به نمایش درآورده اند و از نمایش وقایعی که دشمنی خاندان ابوسفیان را نسبت به پیامبر ﷺ و دعوت او نشان می دهد، خودداری ورزیده اند. برای نمونه ماجرای ناکامی قریش در بازگرداندن مهاجران حبشه که تهدیدی جدی برای اقتدار سیاسی آنان و نشانه ای از گسترش نفوذ مسلمانان در میان جوانان مکه بود و در نهایت به فشارهای بیشتر قریش و خاندان ابوسفیان بر مسلمانان انجامید، به کلی حذف شده است. نمایش این بخش از تاریخ اسلام می تواند تلاش صلح طلبانه پیامبر ﷺ را برای گسترش دعوت بازنماید. این ناکامی، قریش را به اندیشه یافتن راه حلی رادیکال سوق داد و تصمیم به قتل پیامبر ﷺ گرفتند (ازرقی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۲۳۲). از جمله کسانی که خود نزد ابوطالب آمد و از او خواست مانع فعالیت پیامبر ﷺ شود، ابوسفیان بود (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۱، ۲۶۴-۲۶۵). با پافشاری ابوطالب بر حمایت از رسول خدا، قریشیان به رهبری ابوسفیان و با تکیه بر

اقتدار سیاسی و پرچم مشهور عقاب که در اختیار او بود، به تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی هاشم دست زدند (واقدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۰۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ۲۰۹؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۴۰). اجتماع خاندان‌های مختلف قریش، از جمله بنی امیه، در دارالندوه و تصمیم آنان برای ترور شبانه پیامبر ﷺ و ماجرای لیلہ المیت و هجرت ایشان از مکه به یثرب که از اهمیت و شهرت برخوردار است نیز در این سریال نمایش داده نمی‌شود (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۲۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۹۳-۱۹۴).

رویدادهای پس از هجرت تا فتح مکه نیز با حذف‌های هدفمند مواجه است. نامه تهدیدآمیز ابوسفیان به سران مدینه، هشدار جدی به آنان برای قطع حمایتشان از پیامبر ﷺ و تهدید به قتل و اسارت خانواده‌ها از بخش‌های حذف‌شده سریال است (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۸۹-۱۹۰؛ طبری، ۱۳۷۵: ج ۲، ۲۸۴). همچنین اثری از فعالیت‌های نظامی ابوسفیان از جمله حضور وی به عنوان فرمانده سپاهی دویست نفره در سریه عبیده بن حارث در دشت رابع دیده نمی‌شود (نک: ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۵۲-۲۵۳).

ابوسفیان در نبردهای دیگری نیز علیه مسلمانان به عنوان فرمانده شرکت داشته است که غزوه سویق (بلاذری، ۱۳۷۱: ج ۵، ۱۲-۱۴)، بدر موعده (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۵۹-۶۰) و تحرکاتش پیش از نبرد احزاب (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۳، ۲۰۹) از آن جمله است که از فیلم حذف شده‌اند. حتی نبرد مهمی همچون احزاب که با مشارکت گسترده قریش و از جمله بنی امیه همراه بود (بلاذری، ۱۳۷۱، ج ۱، ۴۰۹؛ واقدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۸۴-۴۹۰) و خود معاویه نیز در میان آن شرکت داشت (همان: ج ۲، ۴۸۸؛ ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۳، ۲۴۲) هدفمندانه در سریال نشان داده نمی‌شوند.

همچنین اقدامات اقتصادی ابوسفیان علیه مسلمانان پس از هجرت پیامبر ﷺ و پیروانش به مدینه، از سوی سازندگان فیلم به کناری نهاده شده است. ابوسفیان با همراهی برخی بزرگان قریش، مانند عتبه بن ربیع و ابوجهل، اقدام به مصادره و تصرف دارایی‌های مهاجران مسلمان کرده بود که فروش خانه جحش بن ریاب اسدی از پسر عمه‌های پیامبر، یکی از آن‌ها است (أزرقی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۲۴۴). مشهور است که از اموال مصادره‌شده برای

راه‌اندازی کاروانی تجاری به شام بهره‌برداری شده بود و همین موضوع باعث واکنش پیامبر ﷺ برای سد کردن راه کاروان هنگام بازگشت بود (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۸۳ - ۲۹۰، طبری، ۱۳۷۵: ج ۲، ۳۵۰ - ۳۸۴). در سریال معاویه، بدون پرداختن به پیشینه، فقط لشکرکشی سپاه پیامبر ﷺ به سوی کاروان یاد شده به تصویر کشیده می‌شود (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۲، ۴۶۰).

بیننده سریال انتظار دارد رخداد مشهوری چون مثله کردن پیکر حمزه رضی الله عنه در نبرد احد به دستور هند، مادر معاویه و به دندان کشیدن جگر وی (واقدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۸۵-۲۸۶) را به نوعی مشاهده کند، اما هیچ اشاره‌ای به این واقعه دیده نمی‌شود. چنین است ماجرای صلح حدیبیه و بیعت رضوان که موقعیت قریش و خاندان اموی را تضعیف می‌کند (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۱۵-۳۱۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۹۵-۹۷) و دیگر رویدادها پس از فتح مکه بسان واقعه حجه الوداع و خطبه مشهور غدیر خم (بخاری، ۱۴۱۴: ج ۲، ۱۴۷؛ ابوداود، ۱۴۲۰: ج ۲، ۳۷۵؛ نیز رک: امینی، ۱۳۶۶: ۶۵-۶۶) و یا مأموریت سپاه اسامه بن زید (بلاذری، ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۱۵؛ واقدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۱۸؛ طبری، ۱۳۷۵: ج ۳، ۱۸۶) و واقعه سقیفه بنی ساعده (همان: ج ۳، ۲۰۲) که در فیلم جای داده نشده‌اند.

بخش‌های زیادی از فیلم به زندگی شخصی معاویه اختصاص دارد. روشن است که نویسندگان و کارگردان این حق را داشته‌اند که برخی روایت‌های شخصی و عاطفی از زندگی معاویه را با پرورش هنری و دراماتیک در سریال به نمایش بگذارند، ولی نه به بهای مغفول ماندن رویدادهای مهم تاریخی و یا ارائه ویراستی متفاوت از آنچه از زندگی صحابه در منابع تاریخ صدر اسلام وجود دارد. چه آنکه به‌آسانی می‌توان سیاهه‌ای بلند بالا از رویدادهای عصر خلافت معاویه را نگاشت که چون با اصول حکمرانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و اخلاقی همخوان نیست، از گنجاندن آن‌ها در سریال حاضر صرف نظر شده است؛ حملات نظامی کارگزاران معاویه مانند بسر بن ارطاه (همان: ج ۵، ۱۷۶) و ضحاک بن قیس (دینوری، ۱۳۸۰: ۱۳۹) به قلمرو علی رضی الله عنه پس از قضیه حکمیت، دستور سب و لعن علی رضی الله عنه در تمامی سرزمین‌های تحت سیطره خلافت (طبری، ۱۳۷۵: ج ۴، ۵۲؛ ابن ابی الحدید،

۱۴۱۸: ج ۱۱، ۴۴)، ماجرای ولایتعهدی یزید با وجود مخالفت صریح امام حسین علیه السلام (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ج ۴، ۳۳۹)، توطئه شهادت امام حسن علیه السلام (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸: ج ۱۶، ۲۹) و حُجر بن عدی (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۶، ۲۱۸) از این جمله است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف نقد و بررسی علمی، تاریخی و رسانه‌ای سریال معاویه، تولید ۲۰۲۵ م. عربستان سعودی به ارزیابی چگونگی بازنمایی شخصیت‌ها، رویدادها و بستر فرهنگی سده نخست هجری پرداخته است. سنجش میزان انطباق داده‌های ارائه‌شده در سریال با گزارش‌های معتبر منابع تاریخی، حدیثی و رجالی با تمرکز بر منابع مشهور و مورد تأیید اهل سنت مسئله پژوهش بود که با هدف نشان دادن پیامدهای معرفتی و فرهنگی این دست بازآفرینی‌های تصویری بر حافظه تاریخی جوامع مسلمان انجام شده است. بدین منظور با اتکا به مبانی نظری «بازنمایی رسانه‌ای» و بهره‌گیری از روش «تحلیل تاریخی-انتقادی»، محتوای دیداری، گفتاری، نشانه‌ای و ساختار روایی سریال، در چهار محور مؤلفه‌های تمدنی، شمایل‌نگاری تاریخی، تحریف رخدادها و ناگفته‌های تاریخی به بوته نقد و واکاوی گذاشته شد.

بررسی‌های تطبیقی صورت‌گرفته در بخش عناصر مادی و شمایل‌نگاری نشان داد که میان زیست‌جهان تاریخی صدر اسلام و فضای بازنمایی‌شده در سریال، گسستی آشکار وجود دارد. بهره‌گیری از جلوه‌های بصری و معماری سده‌های متأخر، تجمل‌گرایی در طراحی فضاها و پوشاک، نادیده گرفتن واقعیات اقلیمی حجاز و دگرگون‌سازی ویژگی‌های ظاهری و رفتاری شخصیت‌های محوری، همگی از غلبه جذابیت‌های دراماتیک مدرن بر دقت‌های تاریخی حکایت دارد. در این میان، تعدیل یا حذف رفتارهای ناپسند گزارش‌شده در منابع پیرامون خاندان ابوسفیان و در مقابل، بازنمایی منفعلانه از چهره‌های شاخصی همچون امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام، به ایجاد قضاوتی نابرابر در ادراک مخاطب نسبت به توانمندی‌های شخصیتی و مدیریتی تمدن‌ساز طرفین منازعه انجامیده است.

در سطح تحلیل رخدادها و ساختار روایی، یافته‌های پژوهش حاکی از کاربرست‌الگوی گزینشی و مهندسی‌شده در روایت تاریخ است. با رصد دقیق متون، محرز شد که سریال از یک سو با جابه‌جایی، تعدیل و تغییر رویدادهای سرنوشت‌سازی مانند ماجرای اسلام آوردن معاویه، جنگ صفین و شروط صلح امام حسن علیه السلام، چهره‌ای موجه، اخلاق‌مدار و همسو با مصالح عمومی از مؤسس سلسله اموی ترسیم می‌کند و از سوی دیگر، با حذف آگاهانه ده‌ها واقعه کلیدی و غیرقابل‌انکار مانند محاصره شعب ابی طالب، لیله‌المبیت، مثله کردن حمزه علیه السلام، غدیر خم، سقیفه، قتل حُجر بن عدی و بدعت سبّ امیرالمؤمنین علیه السلام توسط معاویه، بخش اعظمی از پیشینه خصمانه و اقدامات تنش‌زای بنی‌امیه را ناگفته باقی گذاشته تا پیوستگی منطقی میان منابع دست اول و ادراک تماشاگر گسسته شود.

دست‌آورد نهایی این پژوهش، اثبات این واقعیت است که سریال معاویه فراتر از یک اثر فقط نمایشی، متنی با کارکرد ایدئولوژیک و ناظر بر تحولات ژئوپلیتیک و هویت‌ساز معاصر خاورمیانه است که می‌کوشد نوعی حاکمیت اقتدارگرا و موروثی را در حافظه جمعی تقدیس و توجیه نماید. این دست‌آورد علمی نشان می‌دهد که نقد تخصصی و روشمند آثار تصویری بر پایه منابع دست‌اول تاریخی، نه تنها یک مواجهه مذهبی، بلکه ضرورتی پژوهشی برای حراست از اصالت حافظه فرهنگی و جلوگیری از تبدیل ابزارهای دراماتیک به ابزارهای بازنویسی و مشروعیت‌بخشی تاریخی به‌شمار می‌رود.

References

- Abd al-Barr, Yusuf ibn Abdullah (1992/1412 AH). *Al-Isti'ab fi Ma'rifat al-Ashab*, Beirut: Dar al-Jeel.
- Abd Rabbih, Ahmad (1987/1407 AH). *Al-Iqd al-Farid*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Abu Dawud, Sulayman ibn al-Ash'ath (1999/1420 AH). *Sunan Abi Dawud*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ali, Jawad (2012/1391 SH). *Al-Mufasssal fi Tarikh al-Arab Qabl al-Islam*, Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin.
- Amini, Abdul Husayn (1987/1366 SH). *Al-Ghadir*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Ansari, Hassan (2025/1404 SH). "Mu'awiya: From Ahmad ibn Hanbal to the House of Saud's Drama", accessed March 23, 2025 [3/1/1404 SH], from www.ansari.kateban.com.
- Arbili, Ali ibn Isa (2012). *Kashf al-Ghumma fi Ma'rifat al-A'imma* (AS), Qom: The World Assembly of Ahl al-Bayt (AS).
- Azad, Alireza (2026/1404 SH). "Review of the Series 'Mu'awiya' 1, 2, 3, 4", blog post, accessed February 15, 2026 [26/11/1404 SH], t.me/AzadName.
- Azraqi, Muhammad ibn Abdullah (1995/1416 AH). *Akhbar Makka*, Beirut: Dar al-Andalus.
- Baladhuri, Ahmad ibn Yahya (1992/1371 SH). *Ansab al-Ashraf*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Bukhari, Muhammad ibn Ismail (1993/1414 AH). *Sahih al-Bukhari*, Beirut: Dar Ibn Kathir.
- Dabbi, Abbas ibn Bakkar (1983/1403 AH). *Akhbar al-Wafidat min al-Nisa' 'ala Mu'awiya ibn Abi Sufyan*, Beirut: Mu'assasat al-Risalah.
- Dhahabi, Shams al-Din Muhammad (1989/1409 AH). *Tarikh al-Islam wa Wafayat al-Mashahir wa al-A'lam*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Dhahabi, Shams al-Din Muhammad (1993/1414 AH). *Siyar A'lam al-Nubala*, Beirut: Mu'assasat al-Risalah.
- Dinawari, Abdullah ibn Muslim [Ibn Qutaybah] (2001/1380 SH). *Al-Imama wa al-Siyasa*, translated by Seyed Nasser Tabatabaei, Tehran: Qoqnoos.
- Erll, Astrid (2011). *Memory in Culture*, London: Palgrave Macmillan.
- Fakihi, Muhammad ibn Ishaq (2003/1424 AH). *Akhbar Makka fi Qadim al-Dahr wa Hadithih*, Mecca: Maktabat al-Asadi.
- Fasihi, Simin, & Paknejad, Sara (2016/1395 SH). "Historical Validation of the Two TV Series 'In the Eye of the Wind' and 'The British Mansion' (Case Study: Reza Shah Era)", *Historical Perspective & Historiography* (Al-Zahra University), 26(102), pp. 117–144.

Hall, Stuart (2019/1398 SH). *Meaning, Culture, and Social Life*, translated by Ahmad Golmohammadi, Tehran: Ney.

Ibn Abd al-Barr, Yusuf ibn Abdullah (1992/1412 AH). *Al-Isti'ab fi Ma'rifat al-Ashab*, Beirut: Dar al-Jeel.

Ibn Abd Rabbih, Ahmad (1987/1407 AH). *Al-Iqd al-Farid*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibat Allah (1997/1418 AH). *Sharh Nahj al-Balagha*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.

Ibn Asakir, Ali ibn al-Hasan ibn Hibat Allah (1995/1415 AH). *Tarikh Madinat Dimashq*, Beirut: Dar al-Fikr.

Ibn A'tham al-Kufi, Ahmad ibn A'tham (1991/1411 AH). *Al-Futuh*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

Ibn al-Arabi, Abu Bakr (1998/1419 AH). *Al-Awasim min al-Qawasim*, Saudi Arabia: Ministry of Islamic Affairs, Dawah and Guidance.

Ibn al-Athir, Ali ibn Muhammad (1987/1408 AH). *Al-Kamil fi al-Tarikh*, Beirut: Dar Sadir.

Ibn al-Athir, Ali ibn Muhammad (2005/1426 AH). *Usd al-Ghaba fi Ma'rifat al-Sahaba*, Beirut: Dar al-Fikr.

Ibn Hajar al-Asqalani, Ahmad ibn Ali (2000/1421 AH). *Al-Isaba fi Tamyiz al-Sahaba*, Beirut: Dar al-Fikr.

Ibn Hisham, Abd al-Malik (1995/1415 AH). *Al-Sirah al-Nabawiyyah*, Beirut: Dar al-Ma'rifah.

Ibn Kathir, Ismail (1997/1377 SH). *Al-Bidaya wa al-Nihaya*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

Ibn Sa'd, Muhammad ibn Sa'd (1990/1410 AH). *Al-Tabaqat al-Kubra*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.

Khaled, Saeed (2025/1446 AH). "Who Portrays the Companions? 'Mu'awiya Sparks Controversy Ahead of Ramadan 2025 Release'", Al-Masry Al-Youm Newspaper, 28 Sha'ban.

Khalili, Mohammad (2026/1405 SH). "Review and Analysis of the 2025 Series 'Mu'awiya': Slaughtering the Truth with Saudi Dollars", accessed March 29, 2026 [9/1/1405 SH], from www.farajnejad.ir.

Maddi, Behnam (2025/1404 SH). "The Series 'Mu'awiya' and the Necessity of Reflecting on the Meaning and Issue of Tradition", accessed April 7, 2025 [18/1/1404 SH], from dionline.com.

Maqdisi, Mutahhar ibn Tahir (n.d.). *Al-Bad' wa al-Tarikh*, Cairo: Maktabat al-Thaqafah al-Diniyyah.

Muslim, Ibn al-Hajjaj (1991/1412 AH). *Sahih Muslim*, Cairo: Dar al-Hadith.

Pakbaz, Ruyin (2011/1390 SH). *Encyclopedia of Art*, Tehran: Farhang-e Moaser.

Pourrashidi Alibayglou, Hatef, & Irani, Meysam (2025/1404 SH). "Narrative Analysis of the TV Series Mu'awiya Based on Gérard Genette's Model", *Religion and Communication*, 32(68), pp. 561–584.

Sibt ibn al-Jawzi (2005/1426 AH). *Tadhkirat al-Khawass min al-Ummah bi Dhikr Khasa'is al-A'imma*, Qom: The World Assembly of Ahl al-Bayt (AS).

Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman (1993/1414 AH). *Tafsir al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi al-Ma'thur*, Beirut: Dar al-Fikr.

Tabari, Muhammad ibn Jarir (1996/1375 SH). *Tarikh al-Rusul wa al-Muluk*, Cairo: Dar al-Ma'arif.

Taghavi, Hedyeh (2021/1400 SH). "Reflection of Isra'iliyyat in the Film 'Muhammad: The Messenger of God' (Pre-Prophethood Period)", *History of Islam and Iran* (Al-Zahra University), 31(140), pp. 45–70.

Waqidi, Muhammad ibn Umar (1989/1409 AH). *Al-Maghazi*, Beirut: Alam al-Kutub.

Yaqut al-Hamawi (1993). *Mu'jam al-Udaba*, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami.

Yazi, Mohammad Ali (2024/1403 SH). "Transformation of Al-Nusra Front into Hay'at Tahrir al-Sham: Causes and Consequences", *Contemporary Muslim Thought Studies*, 20(3), pp. 105–126.

Zamakhshari, Mahmud ibn Umar (1992/1412 AH). *Rabi' al-Abrar wa Nusus al-Akhbar*, Beirut: Al-A'jami Foundation for Publications.

Zaydan, Jurji (1993/1372 SH). *History of Islamic Civilization*, translated by Ali Javaher Kalam, Tehran: Amirkabir.